



کتابخانه علمی

مجله علمی پژوهشی کتابخانه‌شناسی، مجله تخصصی مرکز پژوهشی کتابخانه‌شناسی دانشگاه کاشان
پوره جدید، شماره چهاردهم (پیاپی بیستوه چهار و نایستون ۱۳۹۷)



- فهرست‌نویس ابابکر مصطفی‌ای از دوره یونسکی در دانشکده کاشان
حسن آنتون شایر، جولیا مسیزاده سافلی، جینه تارن
- بررسی تطبیقی نقش و مدارج همکاری کتابخانه‌های دیجیتال از دیدگاه افضل‌الدین کاتبی و
شهاب‌الدین مسعودی، آسامر و آسامی زاده شمس‌الدین باوند شش‌بدر
- سهم و جایگاه کتابخانه در حوزه نسخه‌های خطی اسلامی ایران و عراق؛ مطالعه موردی چابهار
فاطمی امید کوباین کاتبی، غازی‌پور شایسته و بهرین‌پور نجیب‌الدین نوش‌پور
- بررسی مقایسه‌ای خطرات کوشی با سبک‌های مختلف نظارت و دست‌نویس‌ها در اسناد پوزه احمد لاری
کاشانی پر خروف و رجایی مولوی / محمدرضا مهدیزاده



مجله علمی-ترویجی کاشان‌شناسی، مجله تخصصی مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی دانشگاه کاشان
فهره جدید، شماره دوازدهم (پیاپی) بیستم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: دانشگاه کاشان

مدیر مسئول: دکتر محمد مشهدی نوش آبادی

سرمدیر: دکتر محسن قاسم‌پور

ویراستار فارسی: دکتر محمد مشهدی نوش آبادی، معصومه عدالت‌پور

مترجم و ویراستار انگلیسی: علی نایبی‌پور

هدیث تحریریه:

دکتر عباس اقبالی، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر حسین ایمانیان، استادیار دانشگاه کاشان
دکتر احمد یادکوبه هزاوه، دانشیار دانشگاه تهران
دکتر علی بیات، دانشیار دانشگاه تهران
دکتر ناصر تکمیل همایون، استاد بازنشسته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دکتر حمیدرضا جیحانی، استادیار دانشگاه کاشان
دکتر امیرحسین چیت‌سازیان، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر حسین حیدری، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر داریوش رحمانیان، دانشیار دانشگاه تهران
دکتر رضا شجری، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر حسن فاضلی نشلی، استاد دانشگاه تهران
دکتر محسن قاسم‌پور، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر محمدعلی کاظم‌بیگی، دانشیار دانشگاه تهران
دکتر محمد مشهدی نوش آبادی، استادیار دانشگاه کاشان
دکتر محسن معصومی، دانشیار دانشگاه تهران
دکتر سید جمال موسوی، دانشیار دانشگاه تهران
دکتر ابراهیم موشی‌پور، استادیار بنیاد دایره‌المعارف اسلامی

نشانی مجله: کاشان، بوار قلب، روستای دانشگاه کاشان، دایره ادبیات و زبان‌های خارجی، مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی

تلفن: ۰۳۱-۵۵۹۱۲۷۹

دورنگار: ۰۳۱-۵۵۹۱۲۷۹۳

کد پستی: ۵۱۱۶۷ - ۸۷۳۱۱۷

پست الکترونیکی: sh_kashan@kashanu.ac.ir

نشانی الکترونیکی در بانک اطلاعاتی نشریات کشور: www.Magiran.com

مقالات این نشریه در پایگاه sh-kashan.kashanu.ac.ir نمایه می‌شود.



مجله علمی-ترویجی کاشانی‌شناسی، مجله تخصصی مرکز پژوهشی کاشانی‌شناسی دانشگاه کاشان
دوره جدید شماره دوازدهم (پیاپی بیستهار، بهار و تابستان ۱۳۹۷)

- ۵ قبرستان نوش‌آباد محوطه‌ای از دوره نوستگی در دشت کاشان
حسن فاضلی نسل، جواد حسین‌زاده ساداتی، حجت‌داری
- ۲۷ بررسی تطبیقی نفس و مدارج هفتگانه کمال آن از دیدگاه الفضل‌الدین کاشانی و
شهاب‌الدین سهروردی / طاهره کمال‌زاده، سحر کاوندی، فریده بجمشیدی
- ۴۵ سهم و جایگاه کاشان در حوزه نسخه‌های خطی اسلامی ایران و عراق / علی صادق‌زاده و ابقل
فاضل اسد کوپایی کاشانی عارف پرشور و بی‌پروا / محمد مشهدی نوش‌آبادی
- ۸۹ بررسی مقایسه‌ای خطوط کوفی عقیده شیخ عبدالصمد نطنزی و قدیمگاه فرانسه یزد / احمد لثرفی
کاشان پر خوف و رجای مولوی / محمدرضا مهدیزاده
- ۱۰۵

پرتال جامع علوم انسانی

کاشان‌شناسی، دوره جدید، شماره ۱۲ (پیاپی ۲۰)، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۶-۵

قبرستان نوش آباد محوطه‌ای از دوره نوسنگی در دشت کاشان^۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۶

حسن فاضلی نشلی*

جواد حسین‌زاده ساداتی**

حجت دارابی***

چکیده

دوران نوسنگی یا دوره‌ای که بشر از شیوه زندگی مبتنی بر شکار و گردآوری خوراک به شیوه زندگی مبتنی بر تولید خوراک روی آورد، از ابتدای شروع باستان‌شناسی به عنوان یک شاخه علمی مورد توجه بوده و بخش زیادی از مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در این حوضه را به خود اختصاص داده است. منطقه فرهنگی کاشان نیز از جمله مناطقی است که شواهد و مدارک این تحول اساسی را در خود داشته و جزو نخستین مناطقی است که مورد توجه باستان‌شناسان علاقه‌مند به این دوره قرار گرفته است. گرچه محوطه سیلک کلیدی‌ترین محوطه دوران پیش از تاریخ این منطقه شناخته می‌شود، محوطه‌های باستانی مانند تپه شورابه، اریسمان و گورستان هزاره دومی استرک - جوشقان که به تازگی مورد کاوش قرار گرفته‌اند نیز به درک

قبرستان نوش آباد
محوطه‌ای از دوران
نوسنگی در دشت کاشان



•
•
•
•
•
•
•

* استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران / hasanfazelinashli@gmail.com

** استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه کاشان / javadhoseinzadeh@gmail.com

*** استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه / hojjatdarabi@gmail.com

تحولات اجتماعی و فرهنگی جوامع این منطقه کمک کرده و دیدگاه ما را به دوران گذشته آن واضح تر نموده است. محوطه قبرستان نوش‌آباد از جمله محوطه‌هایی است که آثار قدیمی‌ترین مراحل این تحولات را در خود داشته، اما شوریخانه به علت تخریب‌های انسانی شدیدی که در آن صورت گرفته، آنچنان که می‌باید انتظارات باستان‌شناسان را برآورده نکرده است. در این نوشتار، گزارش تنها فصل پژوهش باستان‌شناختی انجام شده در محوطه به همراه نتایج اجمالی که از این پژوهش باستان‌شناختی کوتاه‌مدت به دست آمده، ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: نوسنگی، محوطه قبرستان نوش‌آباد، یکجانشینی، دوره سیلک یک و سیلک دو، گونه‌شناسی سفال.

درآمد

به‌طور کلی برنامه‌های پژوهشی باستان‌شناختی در منطقه مرکزی ایران^۲ با پژوهش‌های ژاک دمرگان در اوایل قرن بیستم در این منطقه آغاز شد. این مطالعات با کاوش تپه سیلک توسط گیرشمن (۱۳۷۹) و کاوش تپه حصار توسط اریخ اشمیت (Schmidt, 1937) و همچنین مطالعات دونالد مک‌کان در این منطقه ادامه یافت (McCown, 1942). از اوایل دهه چهل خورشیدی نیز باستان‌شناسان ایرانی شروع به فعالیت در این منطقه کرده (نگهبان، ۱۳۵۶) که منجر به گشایش فصل جدیدی در پژوهش‌های آن شد و از آن زمان تاکنون نیز با وقفه‌ای تقریباً کوتاه ادامه دارد. این منطقه با داشتن محوطه‌هایی از دوره نوسنگی مانند تپه سیلک (گیرشمن، ۱۳۷۹؛ ملک شه‌میرزادی، ۱۳۸۵؛ فاضلی، ۱۳۸۸)، تپه زاغه (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۸۲)، تپه پردیس (فاضلی نشلی و دیگران، ۱۳۸۶ ج) تپه‌های چاربنه و ابراهیم‌آباد (فاضلی نشلی و دیگران، ۱۳۸۶ الف و ب)، تپه ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۷۷) از جمله مناطقی است که پتانسیل سنجش فرضیات مرتبط با چگونگی یکجانشینی جوامع انسانی و استقرار دائم آن‌ها در یک مکان را در خود دارد. برخلاف منطقه زاگرس که یکی از نخستین مناطقی است که تحول از سبک زندگی شکارگری و گردآورندگی به زندگی یکجانشینی مبتنی بر تولید خوراک در آن رخ داده است و جزو مناطق مادر یا هسته‌ای^۳ به حساب می‌آید، منطقه مرکزی ایران از جمله مناطقی است که این تحول را دو تا سه هزار سال دیرتر به نمایش می‌گذارد. از این رو این منطقه می‌تواند به‌عنوان منطقه‌ای نمونه برای مطالعه الگویی متفاوت از شروع زندگی یکجانشینی مبتنی بر تولید خوراک و یا الگوی گسترش این شیوه زندگی از مناطق مادر یا هسته‌ای به مناطق پیرامونی باشد.

با وجود اینکه آغاز پژوهش‌های علمی باستان‌شناختی در منطقه حدوداً به سال‌های ۱۳۱۰

می‌رسد و تاکنون نیز پژوهش‌های باستان‌شناختی انجام گرفته در دشت کاشان جزو پژوهش‌های شاخص و آگاهی‌بخش بوده، اما مسئله خاستگاه و الگوی زندگی یکجانشینی و تولید خوراک در این بخش از ایران، بی‌پاسخ مانده و کسی به‌طور نظام‌مند و منسجم به دنبال پاسخگویی بدان نبوده است. برای مثال صادق ملک شه میرزادی (که اکنون حیات محوطه سیلک مدیون تلاش‌های او و همکارانش طی پروژه بازنگری سیلک است) از جمله کسانی است که در این مورد به کندوکاو پرداخته و فرضیه‌هایی را در این مورد مطرح کرده است (نک: ملک شه میرزادی، ۱۳۸۲). همچنین حسن فاضلی از جمله کسانی است که دو فصل در محوطه سیلک به کاوش و گمانه‌زنی پرداخته (فاضلی، ۱۳۸۸) اما تمرکز وی بیشتر بر تدوین گاه‌نگاری منطقه و پژوهش روی دوره‌های جدیدتر به‌ویژه دوره انتقالی مس و سنگی و شکل‌گیری پیچیدگی‌های اجتماعی بوده (فاضلی نشلی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶) و از این‌رو چندان برای پاسخ به پرسش‌های مورد اشاره به تکاپو نپرداخته است. یکی از دلایل این عدم پاسخگویی را می‌توان به نبود یا کمبود شواهد و مدارک کافی در این مورد نسبت داد که خود به نظر دو علت عمده دارد: یکی اینکه نخستین لایه‌های محوطه سیلک که آثار مراحل ابتدایی یکجانشینی و تولید خوراک را در خود دارد، حدود ۱۲ تا ۱۴ متر پایین‌تر از سطح محوطه قرار داشته و از این نظر دسترسی و کاوش آن‌ها هم زمان‌بر و هم پرهزینه است. بنابراین در تمامی کاوش‌های صورت‌گرفته در محوطه شمالی (چه کاوش‌های گیرشمن، چه کاوش‌های ملک شه میرزادی در پروژه بازنگری و چه کاوش‌های حسن فاضلی) تنها بخش ناچیزی (معمولاً فضایی کمتر از ۵ مترمربع) از این لایه‌ها کاوش شده و شواهد و مدارک بسیار اندکی از آن‌ها در اختیار باستان‌شناسان قرار گرفته است. عامل دیگری که در کمبود مدارک و شواهد باستان‌شناختی از این دوره نقش دارد، عدم بررسی باستان‌شناختی نظام‌مند در دشت کاشان و یافت نشدن محوطه‌های دیگر است. به عبارت دیگر، ما تنها دو محوطه، یکی سیلک شمالی و دیگر تپه شورابه، در دشت کاشان سراغ داریم که آثار مراحل ابتدایی زندگی یکجانشینی مبتنی بر تولید خوراک را در خود دارند و همین دو محوطه نیز یا در اثر فعالیت‌های انسانی از بین رفته یا آثار پراکنده‌ای از آن‌ها به دست باستان‌شناسان افتاده است (نک: ملک شه میرزادی، ۱۳۸۲). به همین سبب، خبر کشف محوطه‌ای به نام «قبرستان نوش‌آباد» در دشت کاشان که به نظر، آثار دوره نوسنگی را در خود دارد، بسیار مسرت‌بخش بود. از این‌رو حسن فاضلی که به همراه همکارانش در سال ۱۳۸۶ سرگرم کاوش در محوطه سیلک بودند، فرصت را غنیمت شمرده و

قبرستان نوش‌آباد
محوطه‌ای از دوران
نوسنگی در دشت کاشان



•
•
•
•
•
•
•

کاوش در تپه قبرستان نوش آباد را نیز به امید شناخت ماهیت استقرارهای دوره نوسنگی دشت کاشان، مورد گمانه‌زنی و لایه‌نگاری قرار داد (فاضلی، ۱۳۸۸) که در ادامه به بررسی فصل نخست و تنها فصل کاوش و یافته‌های به‌دست‌آمده از محوطه قبرستان نوش آباد خواهیم پرداخت و در انتها درباره وضعیت گاه‌شناختی و ماهیت این استقرار، تا اندازه‌ای که یافته‌ها امکان می‌دهند، نتایجی را ارائه خواهیم کرد.

۱. موقعیت جغرافیایی محوطه قبرستان نوش آباد

دشت کاشان از جمله دشت‌های رسوبی مرکز ایران است که با توجه به قابلیت‌های زیست‌محیطی و همچنین موقعیت راهبردی‌اش که میان دو ساختار زمین‌شناختی یعنی کوه‌های مرکزی و کویر مرکزی ایران قرار گرفته، آثار و استقرارهایی را از دوره پارینه‌سنگی میانی تا عصر حاضر در خود جای داده است (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۸۲). از جمله این استقرارها محوطه قبرستان نوش آباد در حدود ۳ کیلومتری شرق شهر نوش آباد، در دشت رحمت آباد که خود یکی از زیرشاخه‌های دشت وسیع کاشان می‌باشد، است و مختصات جغرافیایی آن ۵۳ درجه و ۲۳ دقیقه و ۵۸ ثانیه شرقی و ۳۴ درجه و ۴ دقیقه و ۲۸ ثانیه شمالی می‌باشد (تصویر ۱). محوطه در حدود ۵۰۰ متری شمال شرقی قلعه مورچان، بنای تاریخی هشت ضلعی متروکه با کارکرد نامشخص قرار دارد و رودخانه‌ای فصلی از جبهه غربی آن می‌گذرد. ارتفاع این محوطه از زمین‌های اطراف حدود ۱ متر بوده و در اثر شخم مداوم به شدت تخریب شده است. بخش‌های حاشیه‌ای و لبه محوطه در اثر فعالیت‌های کشاورزی تسطیح گشته یا اینکه نهشته‌های آن به صورت خاکریزهایی در اطراف محوطه روی هم انباشت شده است. عبور جاده خاکی روستایی از میان این محوطه نیز یکی دیگر از عوامل انسانی می‌باشد که منجر به صدمه به بافت محوطه شده است (تصویر ۲). بر اساس گفته‌های محلی، وجه تسمیه محوطه با عنوان «قبرستان» بدان سبب بوده که احتمالاً محوطه گورستانی برای ساکنان قلعه مورچان بوده است. شواهد موجود نیز نشان می‌دهد که مساحت اصلی محوطه احتمالاً بیش از آن چیزی است که امروزه دیده می‌شود، اما به هر روی در حال حاضر، پراکندگی مواد فرهنگی حدود یک و نیم هکتار را در بر می‌گیرد.





تصویر ۱: تصویر هوایی (Google Earth) از موقعیت محوطه در دشت کاشان و محوطه‌های کاوش‌شده دیگر



تصویر ۲: جاده خاکی کشاورزی که از میان محوطه می‌گذرد (دید از جنوب)

۲. اهداف و روش کاوش

محوطه قبرستان نوش‌آباد طی یک بررسی باستان‌شناختی توسط سرکار زهرا ساروخانی شناسایی شده بود. با بازدید اعضای هیئت باستان‌شناسی سیلک در سال ۱۳۸۶ از محوطه و یافت شدن مواد فرهنگی مانند سفال و ابزار سنگی، به‌ویژه قطعاتی مانند سنگ مادرهای فشنگی^۴ از سطح محوطه که فن ابزارسازی آن‌ها کاملاً متفاوت از سایر صنایع سنگی فلات

قبرستان نوش‌آباد
محوطه‌ای از دوران
نوسنگی در دشت کاشان



-
-
-
-
-
-
-

مرکزی بوده و شباهت زیادی به صنایع سنگی دوره نوسنگی غرب و جنوب غرب ایران داشت، و از طرفی با توجه به یافت نشدن محوطه‌های دوره نوسنگی بدون سفال در فلات مرکزی، تصمیم بر آن شد تا برنامه باستان‌شناختی به منظور لایه‌نگاری و کاوش در محوطه آغاز گردد. یکی از اهداف اصلی این برنامه، تأکید بر انجام مطالعات زیست‌محیطی، از جمله گیاه باستان‌شناسی، جانورباستان‌شناسی و زمین‌باستان‌شناسی به منظور بررسی برهمکنش ساکنان محوطه با محیط پیرامون و تعیین نقش عوامل زیست‌محیطی را در شکل‌گیری استقرار بود. از این رو به منظور ارزیابی و شناخت سریع‌تر محوطه و پس از نقشه‌برداری و تهیه نقشه توپوگرافی، سه گمانه به ابعاد ۱×۲ متر در بخش‌های شمالی، مرکزی و جنوبی آن ایجاد گردید. برای انتخاب مکان مناسب به منظور لایه‌نگاری، بخش‌های مختلف محوطه به وسیله دستگاه مغزه‌گیر یا اوگر^۵، مته‌زنی شد تا از وجود لایه‌های فرهنگی در آن بخش‌ها اطمینان حاصل گردد (تصویر ۳). روش کاوش و ثبت و ضبط یافته‌ها در این محوطه نیز به روش کانتکت انجام گرفت. متأسفانه همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، محوطه در اثر فعالیت‌های انسانی به شدت آسیب دیده به گونه‌ای که در پایان کاوش در هر ۳ گمانه، بیش از ۱ متر لایه فرهنگی وجود نداشت. همچنین نهشته‌های حاشیه محوطه که توسط کشاورزان روی محوطه انباشت شده و به صورت پشته‌هایی درآمده بودند، سرند شده تا بتوان مواد فرهنگی باقی‌مانده در آن‌ها را بازیافته و در تحلیل نهایی از آن‌ها استفاده کرد. در ادامه، نخست به شرح فرایند کاوش در هر گمانه خواهیم پرداخت و سپس یافته‌های به دست آمده را مورد بررسی قرار خواهیم داد.



تصویر ۳: مغزه‌گیری به منظور بررسی سریع‌تر لایه‌های محوطه

۳. گمانه‌ها و یافته‌ها

۱.۳. گمانه شماره ۱

برای ایجاد گمانه یک که در بخش مرکزی محوطه قرار دارد، ابتدا محدوده‌ای با ابعاد ۵×۵ متر مشخص و به ۲۵ شبکه ۱×۱ متر تقسیم شد. پس از بررسی دقیق شبکه‌ها که از شمال به جنوب با نام‌های A تا E و از غرب به شرق با شماره‌های ۱ تا ۵ نام‌گذاری شدند، مواد فرهنگی هر شبکه جداگانه جمع‌آوری شدند.



تصویر ۴: تقسیم‌بندی ترانشه و گردآوری مواد فرهنگی سطحی

در واقع هدف از شبکه‌بندی محدوده ۵×۵ متر و برداشت لایه سطحی، انتخاب محلی مناسب از بین شبکه‌ها به منظور ایجاد یک گمانه کوچک‌تر با توجه به بافت نهشته‌ها و فراوانی مواد فرهنگی بود. از این رو پس از برداشت لایه سطحی، بخش جنوب شرقی محدوده ۵×۵، جهت ایجاد گمانه لایه‌نگاری با ابعاد ۲×۱ متر در جهت شمالی جنوبی مناسب تشخیص داده شد و با شماره ۱ نام‌گذاری شد.

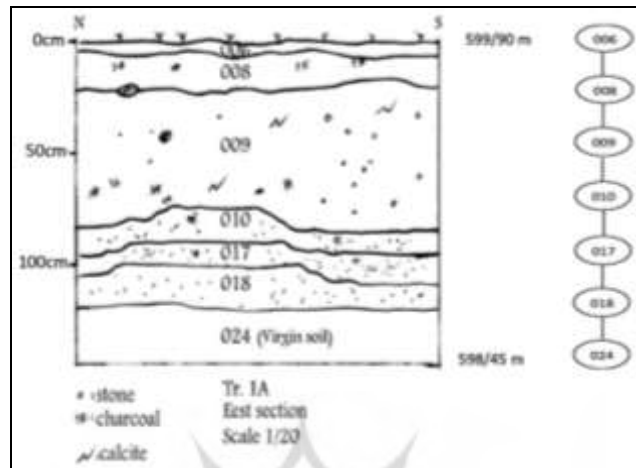
در مجموع از گمانه ۱، تعداد ۷ کانتکست با ضخامت ۱۵۰ سانتی‌متر کاوش شد که ۶ کانتکست آن با ضخامت ۱۲۰ سانتی‌متر دربردارنده مواد فرهنگی بودند. شایان ذکر است که تمام کانتکست‌های مورد اشاره به صورت افقی روی هم قرار گرفته که این امر لایه‌نگاری آن را آسان می‌کرد. شاید این نظم لایه‌های دارای آثار فرهنگی حاصل فرایندهای رسوب‌گذاری طبیعی باشند که مواد فرهنگی را از محدوده‌ای در نزدیکی گمانه که مرتفع‌تر بوده شسته و در

قبرستان نوش‌آباد
محوطه‌ای از دوران
نوسنگی در دشت کاشان



•
•
•
•
•
•
•

این بخش انباشت کرده است؛ زیرا ماهیت این نهشته بیشتر به نهشته‌های رسوبی شباهت داشته که در لایه‌لای خود دارای مواد فرهنگی نیز می‌باشند.

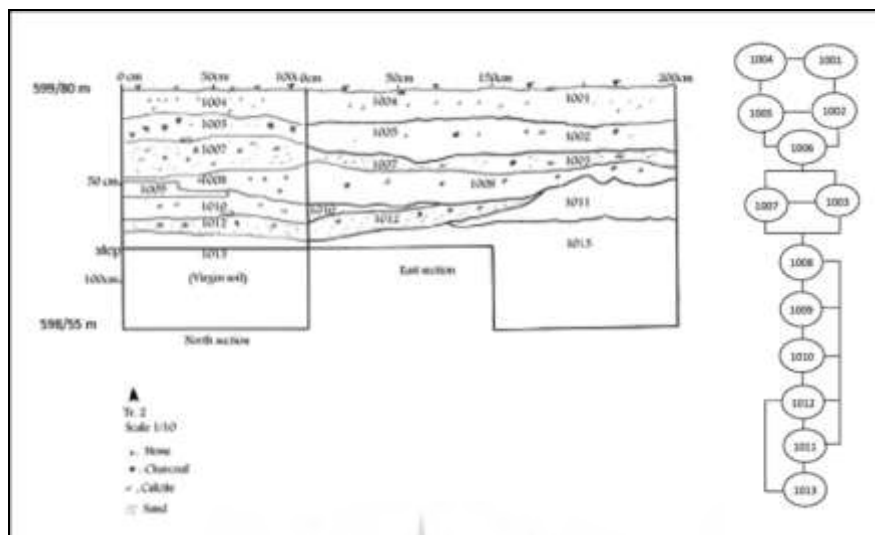


طرح شماره ۱: طرح برش لایه‌نگاری و نمودار هریس گمانه ۱

۲.۳. گمانه ۲

طی مغزه‌گیری با دستگاه اوگر در بخش‌های مختلف محوطه، مشخص شد که در بخش جنوبی محوطه، لایه‌های فرهنگی و لایه‌های خاکستر روی هم قرار گرفته و به احتمال، لایه‌های فرهنگی مطمئن‌تری در این بخش قرار دارد. بر این اساس، گمانه شماره ۲ با ابعاد ۲×۱ متر در جهت شمالی جنوبی و نیز در راستای گمانه شماره ۱ در این قسمت ایجاد شد. این گمانه در نزدیکی جبهه شمالی خاک تلنبارشده در بخش جنوبی محوطه قرار دارد. پس از نخ‌کشی، ابتدا گمانه به دو بخش شمالی جنوبی با ابعاد ۱×۱ متر تقسیم و نیمه جنوبی آن به‌عنوان گمانه پیشرو کاوش شد. پس از حصول اطمینان از وجود لایه‌های فرهنگی برجا در این قسمت از محوطه، نیمه شمالی گمانه نیز مورد کاوش قرار گرفت.

در مجموع، ۱۳ کانتکست با ضخامت ۱۲۵ سانتی‌متر در این گمانه شناسایی شد که ۱۲ کانتکست آن با ضخامت ۸۰ سانتی‌متر شامل نهشته‌های فرهنگی می‌شوند. شایان ذکر است که گمانه مذکور بیشترین لایه‌های فرهنگی را داشته و حتی آثاری از یک کف استقرار (کانتکست ۱۰۰۹) نیز در آن شناسایی شده است. همچنین گمانه ۲ دارای بیشترین و متنوع‌ترین یافته‌ها از میان سه گمانه است.

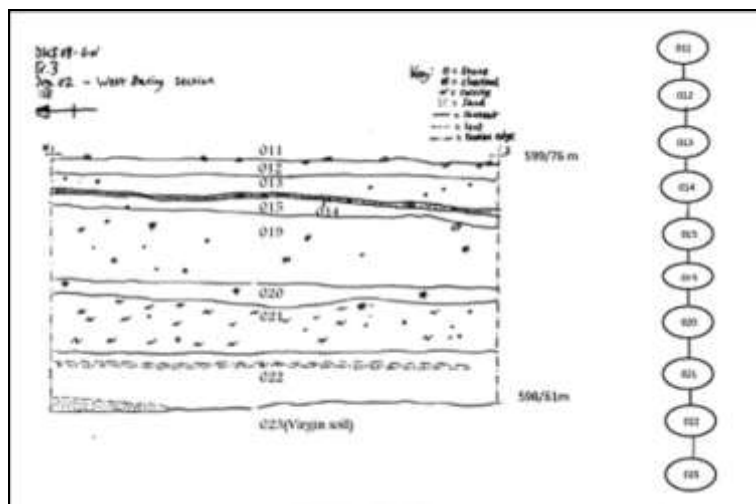


طرح شماره ۲: طرح برش لایه‌نگاری و نمودار هریس گمانه ۲

۳.۳. گمانه ۳

به مانند گمانه شماره ۲، محل گمانه ۳ نیز با استفاده از دستگاه مغزه‌گیری، در بخش شمالی محوطه تعیین شد. این گمانه به مانند دو گمانه دیگر دارای ابعاد ۲×۱ متر و در جهت شمالی جنوبی بود و در مجموع، ۱۰ کانتکست به ضخامت ۱۱۵ سانتی متر در آن کاوش شد که ۹ کانتکست آن را نهشته‌هایی تشکیل می‌دهد که در بردارنده یافته‌های فرهنگی بودند. گفتنی است که به مانند گمانه ۱، در اینجا نیز لایه‌های مختلف به صورت کاملاً افقی روی هم قرار گرفته‌اند و بافت آن‌ها را رسوبات آبرفتی تشکیل می‌دهند که دارای مواد فرهنگی مانند ابزار سنگی، سفال و زغال می‌باشند. بنابراین، به نظر در اینجا نیز شاهد لایه‌هایی هستیم که حاصل فعالیت‌های رسوب‌گذاری طبیعی بوده که در لابه‌لای آن‌ها مواد فرهنگی وجود دارد. به این ترتیب می‌توان چنین تصور کرد که احتمالاً بخش اصلی محوطه در جایی در همان نزدیکی بوده و ارتفاع آن نیز احتمالاً به چند متر می‌رسیده که شرایط لازم را برای فرایندهای طبیعی مانند باران فراهم می‌آورده تا مواد فرهنگی را از جای اصلی خود شسته و در بخش‌های کم‌ارتفاع‌تر اطراف انباشت نمایند. در ادامه به منظور شناخت بیشتر ماهیت این استقرار از نظر ویژگی‌های فن‌شناختی و گاه‌شناختی به بررسی یافته‌ها و سپس سفال‌ها خواهیم پرداخت.

قبرستان نوش‌آباد
محوطه‌ای از دوران
نوسنگی در دشت کاشان



طرح شماره ۳: طرح برش لایه‌نگاری و نمودار هریس گمانه ۳

۴. یافته‌های ویژه (special finds)

معمولاً در هنگام کاوش در محوطه‌های پیش از تاریخی، علاوه بر دست‌ساخته‌های رایج مانند ابزارهای سنگی و سفال (به غیر از دوره‌های پارینه‌سنگی) که به‌وفور یافت می‌شوند، دست‌ساخته‌هایی مانند پیکرک، ابزارهای استخوانی، مهرها و مهرهای سنگی و گلی، دست‌ساخته‌های فلزی و حتی بوم‌ساخته‌هایی^۷ مانند صدف‌ها، حلزون‌ها یا مجموعه‌های حیوانی نصب‌شده یا آویخته به دیوار و این قبیل موارد نیز وجود دارند که معمولاً فراوانی کمتری داشته و دارای کارکردهای خاصی هستند. با وجود اینکه برخی از این دست‌ساخته‌ها می‌توانند کارکردهای روزمره داشته باشند (مانند درفش‌های استخوانی، سنگ وزنه‌ها، اشیای فلزی و...)، برخی دیگر در ارتباط مستقیم با رفتارهای اجتماعی، سیاسی، آیینی و دینی افراد جوامع گذشته هستند و از این رو حامل اطلاعات از چگونگی رفتار و اندیشه گذشتگان. قطعاً طبقه‌بندی، بررسی، تجزیه و تحلیل آزمایشگاهی و غیرآزمایشگاهی این دست‌ساخته‌ها به‌اندازه مطالعه سایر مواد فرهنگی برجای‌مانده از گذشته، مفید بوده و به باستان‌شناسان در درک درست‌تر و دقیق‌تر جوامع انسانی گذشته یاری خواهند رساند. شوربختانه به‌علت تخریب شدید محوطه قبرستان نوش‌آباد و رسوبی بودن لایه‌هایی کاوش شده و همچنین پایین بودن میزان مساحت کاوش شده، هم‌شمار و هم‌تنوع دست‌ساخته‌های ویژه به‌دست‌آمده اندک بوده و در نتیجه، نمی‌توان اطلاعات زیادی را از بررسی آن‌ها حاصل کرد. این یافته‌ها شامل ۱۱ شیء

سنگی (دسته‌هاون، کوبنده، گوی سنگی و قطعات شکسته سنگی)، سه شیء استخوانی، یک میله مسی، یک قطعه سفال کارشده، یک حلزون خاکی و یک صدف دریایی می‌باشند. اشیای سنگی به‌دست‌آمده ویژگی خاصی نداشته و تنها آثار استفاده بر روی برخی از آن‌ها قابل مشاهده است. یکی از اشیای استخوانی به‌دست‌آمده دارای شکل خاصی است (تصویر ۵). این شیء ۶ سانتی‌متر طول داشته و عرض آن در بخش مرکزی حدود ۳ و در بخش فوقانی حدود ۲ سانتی‌متر می‌باشد که دارای کادری مستطیل شکل توخالی در وسط بوده که خود درون یک قاب بزرگ‌تر قرار گرفته است. قسمتی از این یافته شکسته و این امر تعیین کارکرد آن را مشکل ساخته است.



تصویر ۵: شیء استخوانی به‌دست‌آمده از گمانه ۲

شیء استخوانی دیگر به‌دست‌آمده از محوطه، احتمالاً بخش انتهایی استخوان انگشت پا یا دست یک گوسفندسان جوان است^۸ که بخش ابتدایی آن کاملاً ساییده و مدور شده و در قسمت میانی دارای یک نوار برجسته نیز می‌باشد (تصویر ۶). دست‌ساخته‌های استخوانی نظیر این دست‌ساخته از محوطه سیلک نیز به دست آمده است (گیرشمن، ۱۳۷۹، لوح هفت و نوسنگی در دشت کاشان

قبرستان نوش‌آباد
محوطه‌ای از دوران

پنجاه و چهار، شماره ۱) و به احتمال زیاد این یافته می‌بایست دسته یک ابزار ترکیبی بوده باشد که به وسیله یک قطعه فلزی دیگر (احتمالاً از جنس مس) تکمیل می‌شده است.



تصویر ۶: شیء استخوانی به دست آمده از گمانه ۲

۵. سفال‌های به دست آمده از محوطه

سفال‌های به دست آمده از محوطه قبرستان نوش آباد از سه بافت متفاوت جمع‌آوری شده‌اند که عبارت‌اند از: ۱. سفال‌هایی که از سطح محوطه جمع‌آوری شدند؛ ۲. سفال‌هایی که از سرند کردن خاک انباشت شده توسط کشاورزان در گوشه جنوب شرق محوطه جمع‌آوری شدند؛ ۳. سفال‌هایی که در طی کاوش از لایه‌ها به دست آمدند. به نظر می‌رسد که سفال‌های هر سه بافت از لحاظ شکل، پرداخت‌های سطحی و فناوری ساخت، متعلق به یک دوره زمانی نه چندان بلند بوده و از این رو احتمالاً محوطه دارای توالی استقرار بلندی نبوده است. با این حال، دسته‌بندی و گونه‌شناسی مقایسه‌ای سفال‌های به دست آمده می‌تواند در تعیین گاه‌نگاری نسبی محوطه راهگشا باشد.

در مجموع، سفال‌های به دست آمده از فصل نخست کاوش در محوطه قبرستان نوش آباد، با توجه به آنکه بخش اصلی آن از بین رفته، چه از نظر شکل، چه از نظر نقش و چه از نظر فن، چندان گونه‌های متنوعی را شامل نشده و به طور کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی ساده و

منقوش تقسیم کرد. سفال‌های ساده این محوطه شامل سفال ساده قرمز کم‌رنگ، سفال‌های قرمز ارغوانی و سفال‌های نخودی می‌شوند که در ادامه درباره خصوصیات فنی و ساختاری آن‌ها بیشتر توضیح داده خواهد شد. سفال‌های منقوش نیز از لحاظ رنگ به سه دسته نقش قرمز روی زمینه نخودی، نقش سیاه روی زمینه نخودی و نقش سیاه روی زمینه قرمز تقسیم می‌شوند. این سه گروه سفالی از نظر رنگ زمینه و رنگی که برای نقش انتخاب شده، از یکدیگر تفاوت دارند. اما از نظر نقش مایه، این سه دسته دارای نقش مایه‌های مشترکی بوده و تفاوتی در نوع نقش مایه‌ها دیده نمی‌شود. نقش مایه‌های به کاررفته همگی هندسی بوده و هیچ گونه نقش مایه گیاهی، جانوری یا انسانی در میان آن‌ها دیده نمی‌شود.

سفال‌های ساده

به‌رغم تخریب شدید، در مجموع تعداد ۹۳ سفال ساده از بررسی‌های سطحی و از نهشته‌های کاوش شده در گمانه‌ها به دست آمده است. این دسته از سفال‌ها به سه گروه قرمز ارغوانی با فراوانی ۲۸ قطعه، قرمز کم‌رنگ با فراوانی ۴۵ قطعه و نخودی با فراوانی ۲۰ تقسیم می‌شود. با توجه به اینکه کیفیت ساخت و پخت، شکل و نوع پرداخت سطح همه این سفال‌ها مشابه هم می‌باشد، در ادامه، ویژگی‌های این دست از سفال‌های محوطه به‌طور کلی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

از نظر کیفیت پخت، مغز سفال‌ها به‌علت کم بودن مدت‌زمان پخت، دودزده بوده و گل مورد استفاده برای ساخت سفال‌ها نیز به‌خوبی ورز داده نشده است. آمیزه^۹ سفال‌ها همگی مواد آلی بوده به‌نحوی که آثار کاه و مواد گیاهی کاملاً در بدنه سفال قابل دیدن است، اما در عین حال در بافت برخی از سفال‌ها سنگ‌ریزه و شن نیز دیده می‌شود (تصویر ۷). همه سفال‌ها دست‌ساز بوده و معمولاً سفال‌ها دیواره ضخیم، از حدود ۸ میلی‌متر به بالا هستند. نکته قابل توجه این است که به‌طور کلی، رنگ سطوح داخلی و خارجی سفال‌ها از هم تفاوت دارند و در برخی موارد به‌علت عدم حرارت‌دهی یکدست سفال‌ها، روی سطح سفال‌ها لکه‌های روشن یا تیره به چشم می‌خورد. همچنین پوشش گلی غلیظ^{۱۰} روی سفال‌ها نیز به علل مختلف، ترک خورده است. از نظر شکل و کارکرد نیز بیشتر سفال‌ها از نوع دهانه باز هستند و تنوع خاصی میان گروه‌های سفالی مختلف دیده نمی‌شود و همه گروه‌های سفالی دارای شکل‌های مشابهی هستند و کاملاً روشن است که هنر و فن سفالگری در مراحل ابتدایی خود بوده است. شکل سفال‌ها بیشتر شامل بشقاب‌ها و کاسه‌های کم‌عمق با دهانه باز، بدنه^{۱۱} نوسنگی در دشت کاشان

قبرستان نوش‌آباد
محوطه‌ای از دوران
نوسنگی در دشت کاشان

عمود و گهگاه مقعر، با کف تخت و ساده می‌باشند. در برخی موارد، لبه سفال‌ها با اندکی انحنا یا با اندکی زاویه به خارج یا داخل برگشته است.



تصویر ۷: سفال‌های ساده به دست آمده از محوطه قبرستان نوش آباد

از آنجایی که این سفال‌ها نه از نظر شکل و صورت و نه از نظر فن و ساخت، دارای ویژگی‌هایی‌اند که بتوان آن‌ها را با جایی مقایسه کرد، نمی‌توان با اطمینان خاطر آن‌ها را با سفال‌های به دست آمده از محوطه‌های پیرامون مقایسه کرد و می‌بایست بیشتر به بررسی تحلیلی خود سفال‌ها روی آورد و در این مورد نیز جانب احتیاط را رعایت کرد. بررسی سفال‌های ساده به دست آمده از محوطه قبرستان نوش آباد چند نکته را روشن می‌کند که قابل استناد است. نخست اینکه سفال‌ها همگی دست‌ساز بوده و بیشتر دارای آمیزه کاه، با شکل‌های ساده و دهانه باز با پوشش گلی غلیظ، بافت نه چندان پرداخت شده و پخت کوتاه مدت، احتمالاً در کوره‌های باز هستند که همگی ویژگی‌های ساخت سفال در مراحل اولیه، یعنی دوران نوسنگی با سفال هستند. اما نکته‌ای که اینجا همچنان ما را در تاریخ‌گذاری نسبی این سفال‌ها محدود می‌کند، این است که این مرحله اولیه تولید سفال در دوران نوسنگی در منطقه مرکزی ایران، دارای دامنه زمانی طولانی از حدود ۸۰۰۰ تا ۷۳۰۰ سال پیش است (دوره سیلک ۱) و مشخص نیست که این سفال‌ها به اوایل، اواسط یا اواخر این دوره تعلق دارند. از همین رو بررسی و مطالعه سفال‌های منقوش به دست آمده از محوطه که دارای نقش‌مایه‌های شاخص هستند، می‌تواند در روشن‌تر شدن این امر به ما یاری رساند.

۶. سفال‌های منقوش

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، سفال‌های منقوش را می‌توان از نظر رنگ زمینه و رنگ نقش‌مایه‌های اجرا شده به سه دسته شامل نقش قرمز روی زمینه نخودی، نقش سیاه روی زمینه نخودی و نقش سیاه روی زمینه قرمز تقسیم کرد. با این حال، این تقسیم‌بندی اطلاعات خاصی را در اختیار نمی‌نهد و می‌بایست بر جنبه‌های دیگر سفال تمرکز نمود تا بتوان با مقایسه آن‌ها با سفال‌های محوطه‌های دیگر که وضعیت گاه‌نگاری‌شان مشخص است، به نتیجه معقولی نائل شد. از نظر فناوری ساخت و پخت، سفال‌های منقوش نیز به مانند سفال‌های ساده، چندان ظرافتی نداشته و خمیره سفال‌ها آنچنان که در سفال‌های با کیفیت نظیر سفال‌های چشمه‌علی دیده می‌شود، خوب ورز داده نشده و دارای منافذ و خلل و فرج فراوان است. همین تخلخل باعث سبکی سفال و کاهش استحکام آن شده است. همچنین سیاه بودن مغز سفال‌ها نیز نشان از کم بودن مدت زمان پخت سفال داشته به نوعی که کربن موجود در مغز سفال فرصت اکسایش^{۱۱} را پیدا نکرده و مغز سفال به رنگ سیاه درآمده است. از نظر ساخت نیز سفال‌های این گروه هم شامل سفال‌هایی با ضخامت کمتر از ۱۰ میلی‌متر می‌شوند که به نوعی در ساخت آن‌ها ظرافت بیشتری به خرج داده شده و هم شامل سفال‌های خشن و ضخیم می‌شوند که بیشتر آن‌ها دارای مغز تیره هستند. آمیزه سفال‌ها نیز از مواد آلی تشکیل شده و همگی دست‌ساز هستند. از لحاظ فرم سفال‌ها کاملاً دارای اشکال ساده و دهانه باز، با دیواره‌های صاف و مقعر و گهگاه لبه برگشته به خارج هستند. بیشتر نقوش این سفالینه‌ها در قسمت خارجی ظرف اجرا شده و گهگاه لبه داخلی ظرف نیز دارای نقش است. نقش‌مایه‌های به‌کاررفته در تزیین سفال‌ها شامل خطوط مواج افقی، خطوط زیگزاگی، نقوش لوزی‌شکل (نقوش حصیری) که با استفاده از خطوط مورب متقاطع ایجاد شده‌اند، مربع‌های متداخل، باندهای افقی، نقوش شطرنجی و خطوط جناغی هستند که همگی با استفاده از خطوطی کاملاً ساده و ابتدایی به وجود آمده‌اند (تصویر ۸). نقش‌مایه‌ها در گروه‌های مختلف سفال‌ها دیده می‌شوند و هیچ‌یک از آن‌ها منحصر به نوع خاصی از ظروف نیست. همان‌طور که اشاره شد، محل اجرای نقش بیشتر سطح بیرونی ظرف است، اما گهگاه ادامه نقش از قسمت فوقانی سفال فراتر رفته و به لبه‌های درونی سفال ادامه می‌یابد. تقریباً تمامی نقش‌مایه‌ها هندسی بوده و حتی یک نقش‌مایه گیاهی، حیوانی یا انسانی دیده نمی‌شود.



تصویر ۸: سفال‌های منقوش به‌دست‌آمده از محوطه قبرستان نوش‌آباد

۷. مقایسه سفال‌های محوطه قبرستان با محوطه‌های دوره نوسنگی منطقه

همان‌طور که اشاره شد، با توجه به شرایط موجود محوطه و همچنین بافت‌هایی که مواد فرهنگی از آن‌ها به دست آمده‌اند، چندان نمی‌توان در مورد جزئیات زندگی ساکنان محوطه به توضیح و تفسیر پرداخت و مجبوریم با استفاده از همین میزان اندک شواهد و مدارکی که بر جای مانده، در خصوص گاه‌نگاری و همچنین ماهیت احتمالی آن فرضیه‌پردازی کنیم.

در مورد گاه‌نگاری محوطه، چند نکته کلیدی درباره سفال‌های به‌دست‌آمده وجود دارد که می‌توان از آن‌ها برای تعیین تاریخ تقریبی آن استفاده کرد. نخستین مورد اینکه فناوری ساخت و پخت سفال‌ها به اندازه‌ای است که می‌توان گفت سفالگران تجربه کافی برای تولید محصولی قابل قبول را داشته‌اند. این تجربه را می‌توان هم در ساخت سفال (اعم از انتخاب گل سفالگری، آمیزه، بافت، پرداخت سطح، تزیین و شکل) مشاهده کرد و هم در پخت آن (میزان و نحوه حرارت‌دهی). از این‌رو سفال‌های به‌دست‌آمده از محوطه قبرستان نوش‌آباد جزو مراحل اولیه صنعت سفالگری به حساب نیامده و مشخص است که صنعت سفالگری مراحل نخستین خود را گذرانده و سفالگران در مورد تولید سفال تا اندازه‌ای مجرب هستند. از طرفی، ما به‌واسطه کاوش‌های انجام‌گرفته در محوطه سیلک (گیرشمن، ۱۳۷۹؛ ملک شه‌میرزادی، ۱۳۸۵؛ فاضلی، ۱۳۸۸) که حدود ده کیلومتر با محوطه قبرستان نوش‌آباد فاصله دارد، می‌دانیم که

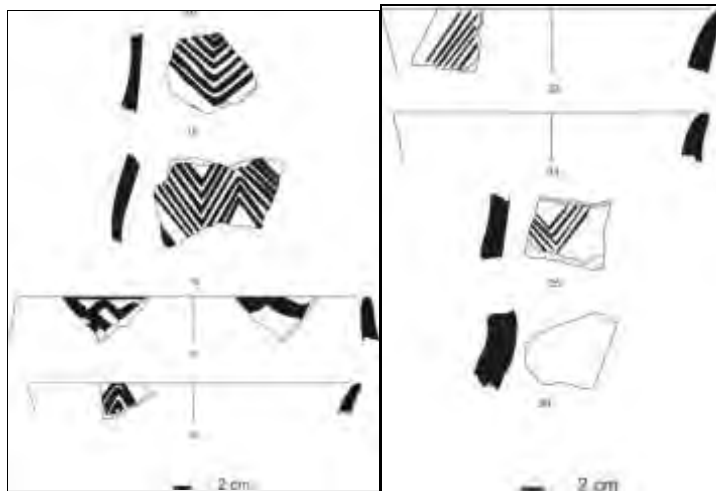
نخستین تجربه‌های سفالگری در دشت کاشان از حدود ۸۰۰۰ سال پیش آغاز شده و در حدود ۷۵۰۰-۷۶۰۰ سال پیش است که صنعت سفالگری آن به سطحی می‌رسد که قابل مقایسه با سفال‌های به‌دست‌آمده از محوطه قبرستان نوش‌آباد است. بنابراین اگر فناوری تولید سفال در محوطه سیلک را به‌عنوان معیار در دشت کاشان در نظر بگیریم، آنگاه سفال‌های به‌دست‌آمده از قبرستان نوش‌آباد نمی‌توانند قدیمی‌تر از حدود ۷۵۰۰-۷۶۰۰ سال پیش باشند که به نظر منطقی هم می‌نماید. حال اگر این تاریخ حد ابتدایی استقرار در محوطه را تعیین نماید، می‌بایست به دنبال معیارهای دیگری بود تا بتوان حد انتهایی استقرار در محوطه را بر اساس آنچه در فصل نخست کاوش به دست آمده، تعیین کرد. نکته‌ای که در اینجا می‌تواند به ما یاری برساند حضور سبک‌های سفالی منطقه‌ای، مانند سبک چشمه‌علی، سبک «سیلک ۱»^{۱۲} و سبک تگرگی زاغه است. منظور از سبک‌های منطقه‌ای آن سبک‌های سفالی است هم از نظر فناوری تولید، هم از نظر شکل و هم تزیین، کاملاً به یکدیگر شباهت داشته و در یک دوره خاص در یک منطقه جغرافیایی وسیع رواج پیدا می‌کنند.^{۱۳} که فقط به یک منطقه یا یک دشت خاص محدود نبوده بلکه به عللی که در اینجا مجال بحث آن نیست، به مناطق و دشت‌های هم‌جوار و گهگاه تا مناطق بسیار دور گسترش یافته‌اند. بر اساس مطالعاتی که پیش‌تر انجام گرفته (نک: حسین‌زاده، ۱۳۸۹) تاریخ رواج سبک‌های سفالی منطقه‌ای در مرکز ایران، حدود ۷۳۰۰ تا ۷۲۰۰ سال پیش است. برای مثال در این زمان است که ما شاهد حضور سبک سفال چشمه‌علی، که مرکز تولید آن احتمالاً دشت ری بوده، در دشت‌های کاشان، قزوین، شمال کوه‌های البرز، دشت شاهرود و مناطق دورتر در شمال شرق هستیم. همچنین در همین زمان شاهد حضور سبک سفالی تگرگی زاغه، که خاستگاه آن احتمالاً دشت قزوین است، در دشت‌های ری و دشت کاشان می‌باشیم. از طرفی در همین تاریخ، برخی از سبک‌های تزیین سفال - نقش نردبانی - که در دوره سیلک I در دشت کاشان رایج بوده، به دشت‌های ری و قزوین نفوذ کرده و در مجموعه سفال‌های محوطه‌های این دوره دیده می‌شوند. حال در مورد محوطه قبرستان نوش‌آباد هیچ‌یک از این سبک‌های سفالی که اشاره شد، وجود ندارد. به عبارت دیگر، در مجموعه سفال‌های به‌دست‌آمده از محوطه قبرستان نوش‌آباد نه سفال‌های سبک چشمه‌علی، نه تگرگی زاغه و نه سیلک I دیده نمی‌شود. اگر فرض نخست ما مبنی بر رواج سبک‌های منطقه‌ای در حدود ۷۳۰۰ تا ۷۲۰۰ سال پیش درست باشد، نبود هیچ‌یک از این سبک‌ها در محوطه قبرستان نوش‌آباد، منطقیاً به این نتیجه رهنمون می‌شود که این محوطه

قبرستان نوش‌آباد
محوطه‌ای از دوران
نوسنگی در دشت کاشان

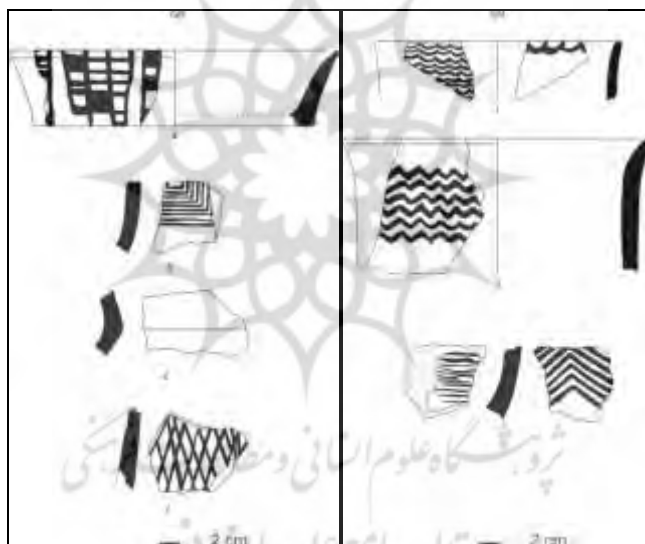


جدیدتر از ۷۳۰۰ پیش از میلاد نیست.

علاوه بر این دو معیار، شاید بتوان از شیوه‌های پرداخت سطح سفال و نوع تزیینات و نقش‌مایه‌ها هم به‌منظور گاه‌نگاری دقیق‌تر محوطه یاری گرفت. از نظر شیوه پرداخت معمولاً در سفال‌ها از لعاب گلی غلیظ استفاده شده که بیشتر به رنگ نخودی بوده و تعداد اندکی هم به رنگ اخراپی تیره هستند. در لایه‌نگاری که فاضلی از تپه شمالی سیلک انجام داده، حضور سفال‌هایی با لعاب گلی غلیظ به رنگ اخراپی تیره به تاریخ حدود ۷۴۰۰ سال پیش (کانتکست‌ها ۵۰۹۰) می‌رسد (فاضلی، ۱۳۸۸) و این در حالی است که در لایه‌های کهن‌تر از این نوع پرداخت خبری نیست. از طرفی نقش‌مایه‌های به‌کارگرفته‌شده در سفال‌های محوطه قبرستان نوش‌آباد نیز می‌تواند تا اندازه‌ای در گاه‌نگاری محوطه به ما یاری رساند. با وجود اینکه نمی‌توان نمونه کاملاً برابری از نقش‌مایه‌های سفال‌های محوطه قبرستان نوش‌آباد را در هیچ‌یک از محوطه‌های دوره نوسنگی منطقه مرکزی ایران، از سیلک که نزدیک‌ترین محوطه شناخته‌شده به آن است گرفته تا سنگ چخماق، پردیس، ازبکی، چاربنه، ابراهیم‌آباد، آق تپه و... پیدا کرد. اما نقش‌مایه‌های آن تا اندازه‌ای قابل مقایسه با دوره سیلک I در محوطه سیلک می‌باشند. برای مثال، نمونه‌های مشابه اما نه کاملاً برابر، نقش‌مایه‌های زیگزاگی موازی، خطوط مواج موازی، خطوط متقاطع که نقش حصیری را به وجود آورده‌اند، دالبرهای لبه داخلی و نقوش شطرنجی را می‌توان در قطعات شکسته دوره سیلک I مشاهده کرد (گیرشمن، ۱۳۷۹: لوح چهلیم، بخش D، قطعات ۳، ۹، ۱۵ و ۱۶؛ لوح چهل‌ویک، بخش A، قطعه ۹، بخش B، قطعه ۷، بخش C، قطعه ۳). همچنین همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، هیچ نقش‌مایه گیاهی، حیوانی یا انسانی در مجموعه سفال‌های محوطه قبرستان نوش‌آباد دیده نمی‌شود و تمامی نقش‌مایه‌ها هندسی و بسیار ساده‌اند. از طرفی رواج نقش‌مایه‌های غیرهندسی در منطقه مرکز ایران به حوالی ۷۰۰۰ سال پیش و هم‌زمان با دوره چشمه‌علی است و به این ترتیب بررسی نقش‌مایه‌ها نیز باز به این نتیجه ختم می‌شود که احتمالاً تاریخ استقرار در محوطه قبرستان نوش‌آباد به پیش از ۷۰۰۰ سال پیش بازمی‌گردد.



طرح شماره ۴: طرح سفال‌های منقوش محوطه نوش‌آباد



طرح شماره ۵: طرح سفال‌های منقوش به دست آمده از محوطه نوش‌آباد

نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد، شوربختانه به علت تخریب شدید محوطه در اثر فعالیت‌های انسانی، چیزی زیادی از بافت اصلی محوطه باقی نمانده و از طرف دیگر، اندک یافته‌هایی هم که طی

کاوش به دست آمده، بیشتر از بافت‌های رسوبی و بافت‌های ثانویه به دست آمده و به جز یک لایه تقریباً برجا، در مجموع بستر باستان‌شناختی مطمئنی ندارند. ترکیب این دو عامل، مطالعه و نوسنگی در دشت کاشان

بررسی یافته‌ها را به شدت محدود کرده و شناخت ماهیت محوطه را دشوار نموده است. اما بررسی و تحلیل مقایسه‌ای یافته‌ها، به ویژه سفال‌ها، دست‌کم می‌تواند اطلاعاتی در مورد مدت زمان استقرار و تاریخ تقریبی آن به دست دهد که به نتایجی منجر شود. نخستین نتیجه‌ای که می‌توان از بررسی یافته‌ها و به ویژه سفال‌های به دست آمده از محوطه گرفت، این است که آثار و لایه‌های فرهنگی برجای مانده از محوطه قبرستان نوش‌آباد، همگی متعلق به یک دوره زمانی و استقراری نه‌چندان طولانی است؛ زیرا تمامی یافته‌ها هم از نظر سبک و صورت و هم از نظر ساخت و فناوری، تقریباً همخوان و همسان بوده و بیانگر وجود دوره‌های فرهنگی مختلف نیستند. نتیجه دوم در مورد محوطه گاه‌نگاری آن است که به احتمال زیاد به دوره نوسنگی متأخر ۲ (۷۲۰۰-۷۶۰۰ سال پیش) تعلق دارد؛ زیرا نه شواهدی از دوره‌های کهن‌تر مانند نوسنگی بی‌سفال یا مراحل اولیه نوسنگی باسفال در آن دیده می‌شود و نه شواهدی از دوره‌های جدیدتر مانند مس و سنگ انتقالی (چشمه‌علی). حال اگر این دو نتیجه‌گیری درست باشد، باید به یک پرسش ضمنی پاسخ گفت و آن اینکه چرا با وجود نزدیکی این محوطه با تپه شمالی سیلک (حدود ده کیلومتر) و وجود لایه‌های هم‌زمان در دو محوطه، نقش‌مایه‌های به کارگرفته شده در این دو محوطه شباهت زیادی به یکدیگر ندارند، در حالی که در دوره بعد، یعنی دوره مس و سنگ انتقالی (چشمه‌علی) برخی از نقش‌مایه‌های شاخص سفال‌های سیلک ۱ (و همچنین سفال نوع چشمه‌علی یا زاغه) به مناطق دوردست نفوذ کرده‌اند. شاید علت اصلی این عدم شباهت در مراحل نخست به ماهیت جوامع دوره نوسنگی که تازه یکجانشین شده بودند بازگردد. به عبارت دیگر، جوامع انسانی منطقه مرکزی ایران که احتمالاً به تازگی، در حدود ۸۰۰۰ سال پیش، به زندگی یکجانشینی روی آورده بودند^{۱۴} و روستاها یا استقرارگاه‌های مستقل و خودگردانی را تشکیل داده بودند، در مراحل اولیه بیشتر در پی نشان دادن هویت مستقل خود از جوامع همجوار بوده و نه تنها علاقه‌ای به تقلید از سبک‌های رایج در استقرارگاه‌های همسایه نداشته‌اند بلکه شاید حتی وام‌گیری از سبک‌های دیگران را به نوعی دون شأن خود دانسته و آن را نوعی اختلال در هویت خود قلمداد می‌کرده‌اند. احتمالاً به همین خاطر است که با وجود اینکه در منطقه مرکزی ایران، چندین محوطه نوسنگی هم‌زمان وجود دارد که فاصله چندانی از یکدیگر ندارند، مانند چاربنه و ابراهیم‌آباد؛ اما از نظر سبک تزئین سفال شباهت چندانی به یکدیگر نداشته و شباهت‌ها بیشتر جنبه فن‌شناختی دارند و این وضعیت تا دوره مس و سنگ انتقالی (۷۲۰۰-۷۳۰۰ سال پیش) که جوامع وارد مرحله جدیدی

از روابط اجتماعی می‌شوند، ادامه داشته و از این پس ما شاهد حضور سبک‌های منطقه در محوطه بسیار دور از هم می‌باشیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مقاله هم‌زمان با انتشار در مجله کاشان‌شناسی، با اندکی تفاوت برای جشن‌نامه دکتر محمدرحیم صراف نیز ارسال شده است.
۲. در ادبیات باستان‌شناسی و زمین‌شناسی، این منطقه با عنوان‌های «فلات مرکزی ایران» و «مرکز فلات ایران» خوانده می‌شود که برای بحث مفصل در این زمینه نک: روستایی ۱۳۹۱ و آریامنش ۱۳۹۳.
3. Core Area
۴. Bullet Cores سنگ مادرهای فشنگی از جمله مواد فرهنگی هستند که بیشتر در محوطه‌های اوایل دوره نوسنگی دیده شده و می‌توانند نشانه‌ای برای شروع کشاورزی یا بهره‌برداری فراوان از محصولات گیاهی باشند.
5. Auger
6. Artifacts
7. Ecofacts
۸. با سپاس از آقای دکتر حسین داوودی به خاطر راهنمایی‌شان در خصوص تشخیص این استخوان.
۹. Temper: در ادبیات باستان‌شناسی، گهگاه از واژه شاموت به‌عنوان برابرنهاده تمپر استفاده می‌شود که کاملاً نادرست است و واژه درست آن آمیزه است. شاموت Chamoot یا گراگ Grog نوعی از آمیزه است که از طریق خرد کردن گِل حرارت‌دیده یا سفال به دست آمده و برای جلوگیری از انقباض بیش از حد سفال هنگام خشک شدن و فرایند پخت به بافت آن اضافه می‌شود.
10. Slip
11. Oxidation
۱۲. در اینجا باید اشاره کرد که منظور از سفال سبک «سیلک ۱» آن دسته از نقش‌مایه‌ها و آن نوع پرداختی هستند که از یک نقطه‌ای از زمان پدیدار شده، اما به دلایلی تا مدت زمانی بسیار طولانی مورد استفاده بوده و فراتر از یک دوره زمانی را در بر می‌گیرند. از این رو سبک «سیلک ۱» با دوره سیلک ۱ متفاوت بوده و این سبک می‌تواند در دوره‌های جدیدتر از دوره سیلک ۱ نیز رایج باشد.
۱۳. برای اطلاع از اینکه تولید این نوع سفال‌ها به‌صورت متمرکز در یک منطقه انجام می‌گرفته یا اینکه هر منطقه برای خود به‌طور مجزا به تولید این نوع سفال‌ها می‌پرداخته، نک: Wong et al. 2010
۱۴. البته بر اساس یافته‌هایی که تاکنون در دست داریم و ممکن است که در آینده با کشف استقرارگاه‌های یکجانشینی قدیمی‌تر در منطقه مرکزی ایران، این فرضیه رد شود.

منابع

- قبرستان نوش‌آباد
محوطه‌ای از دوران
نوسنگی در دشت کاشان
۱. آریامنش، شاهین، ۱۳۹۳، «کدام ایران، کدام فلات»، باستان‌پژوهشی، دوره جدید، (۱۷): ۱۴۷-۱۴۸.
 ۲. حسین‌زاده ساداتی، جواد، ۱۳۸۹، گاه‌نگاری مقایسه‌ای سفال‌های دوره نوسنگی دشت‌های کاشان و



- قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.
۳. فاضلی نشلی، حسن، ۱۳۸۵، *باستان‌شناسی دشت قزوین از هزاره ششم تا هزاره اول ق.م*، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
۴. _____، ۱۳۸۶، *تغییرات سیاسی اجتماعی دشت قزوین، کاوش‌های باستان‌شناسی تپه قبرستان (گزارش فصل سوم)*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده باستان‌شناسی.
۵. فاضلی نشلی، حسن، و دیگران، ۱۳۸۶ الف، «گزارش مقدماتی گمانه‌زنی و لایه‌نگاری تپه چهارپنه دشت قزوین ۱۳۸۵»، *گزارش‌های باستان‌شناسی (۷)*، ویژه‌نامه نهمین گردهمایی باستان‌شناسی ایران، ج ۱، ۳۷۵-۳۵۳.
۶. _____، ۱۳۸۶ ب، «گزارش مقدماتی گمانه‌زنی و لایه‌نگاری تپه ابراهیم‌آباد دشت قزوین ۱۳۸۵»، *گزارش‌های باستان‌شناسی (۷)*، ویژه‌نامه نهمین گردهمایی باستان‌شناسی ایران، جلد اول، ۳۷۵-۴۰۶.
۷. فاضلی نشلی، حسن، و دیگران، ۱۳۸۶ ج، «گزارش مقدماتی فصل دوم کاوش محوطه باستانی تپه پردیس ۸۵-۱۳۸۴»، *گزارش‌های باستان‌شناسی (۷)*، ویژه‌نامه نهمین گردهمایی باستان‌شناسی ایران، ج ۱، ۴۰۶-۴۳۷.
۸. فاضلی نشلی، حسن، ۱۳۸۸، *گزارش مقدماتی کاوش در محوطه سیلک، سازمان میراث فرهنگی کشور*، چاپ نشده.
۹. روستایی، کوروش، ۱۳۹۱، «فلات مرکزی، مرکز فلات، شمال مرکزی: کشاکش نام و جای»، *باستان‌پژوهشی*، دوره جدید، (۱۲-۱۳): ۱۱۴-۱۲۶.
۱۰. گیرشمن، رومن، ۱۳۷۹، *سیلک کاشان*، ترجمه اصغر کریمی، جلد اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۱. مجیدزاده، یوسف، ۱۳۷۷، «گزارش مقدماتی نخستین فصل حفاریات باستان‌شناختی در محوطه ازبکی، شهرستان ساوجبلاغ»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال سیزدهم، شماره اول، (۲۵)، تاریخ انتشار شهریور ۱۳۷۹.
۱۲. ملک شهمیرزادی، صادق، ۱۳۸۲، *ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی*، پژوهشکده باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۳. _____، ۱۳۸۵، *سیلک کهن‌ترین روستای محصور ایران: گزارش نهایی طرح بازنگاری سیلک*، پژوهشکده باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
۱۴. نگهبان، عزت‌الله، ۱۳۵۶، *حفاری دشت قزوین (فصل‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۰)*، مارلیک شماره ۲.
15. McCown, Donald E., 1942, *The Comparative Stratigraphy of Early Iran*, *Oriental Institute of the University of Chicago*, Studies in Ancient Oriental Civilization 23, The University of Chicago Press.
16. Schmidt, Erich F., 1937, *Excavation at Tepe Hissar Damghan*. Philadelphia, the University Museum, the University of Pennsylvania Press.
17. Wong E. H., Petrie C. A., and Fazeli H., 2010, *Cheshmeh-Ali Ware: A Petrographic and Geochemical Study of Transitional Chalcolithic Period Ceramic Industry on the North Central Plateau of Iran*, Iran, Vol. 48, pp. 11-26.



12

Studies a bout Kashan



- **Noshaban Type Qutubiyah, a North-West Side in Kashan Region**
Hosain Jabeel Shahid, Arsal Hameedullah Siddiqi, Usqar Durrani
- **Comparative Study of the Used and the Seven Degrees of its Perfection from the Point of View of Ahsan ul-Din Khatami and Shams al-Din Sirhanwardi**
Abdullah Komarudin, Saiful Usman, Faridul Hameed
- **The Role and Distribution of Kashan Cup in the Field of Islamic Manuscripts of Iran and Iraq**
Ali Sulaymanali Verghese
- **Qasr Asud Kaspasi Kashani, the Artistic and Holy Mystic**
Mubarrat Shahzad Saeedpuri
- **Comparative Study of Kufic Scripts Used by the Family of Sheikh Ahsan ul-Sanad in**
Najaf and Fereidun Qadiriya in 'Kash' (Ajami/Arabi)
- **Kashan in Malaya: View a City Full of Dream and Hope**
Abderrazak Hussaini